



khbaronline

گفت و گو با دکتر مجتبی مقصودی (استاد علوم سیاسی)

مسئولیت اجتماعی نخبگان در انتخابات ۱۴۰۰

مهسا رضانی
خبرنگار

امروز بیش از چهار دهه است که از پیروزی «کلان گفتمان انقلاب اسلامی» در جامعه ما می‌گذرد. در این چهار دهه، در ذیل این کلان گفتمان، خرده گفتمان‌هایی در دوره‌های مختلف، قد علم کردند و مسیر حرکت جامعه را به دست گرفتند؛ از آن جمله می‌توان به خرده گفتمان‌های «سازندگی»، «اصلاحات»، «عدالت»، و «اعتدال» اشاره کرد. اکنون که در آستانه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ هستیم، این پرسش، هم از سوی اهالی نظر و نخبگان سیاسی و اجتماعی جامعه و هم از سوی عامه مردم طرح می‌شود که این بار چه خرده گفتمانی می‌تواند مورد اقبال جامعه امروز ایران قرار گیرد و سکان حرکت جامعه را چنان به دست گیرد که از یک طرف، نیاز و مطالبات امروز مردم را برطرف نماید و از طرف دیگر، کشور را در مسیر درست توسعه و پیشرفت ریل گذاری کند. در واقع می‌خواهیم بدانیم امروزه با توجه به مطالباتی که مردم ما دارند کدام گفتمان می‌تواند قدرت بسیج‌گری بیشتری داشته باشد؟ چه مفاهیمی می‌تواند «مردم» و «نخبگان» را توانمند، با خود همراه کند؟ برای تدقیق در این بحث، با دکتر مجتبی مقصودی، استاد علوم سیاسی، به گفت‌وگو نشستیم. او در این نشست به نکات قابل تأملی اشاره می‌کند از جمله اینکه «صلح با جهان و توسعه مهم‌ترین مطالبه اجتماعی و ملی امروز جامعه ایران است و خرده گفتمانی که بتواند این مفاهیم را صورت‌بندی کند، احتمالاً در جامعه امروز ما قدرت بسیج‌گری بیشتری خواهد داشت.»

جناب دکتر مقصودی، شما در مقام یک استاد علوم سیاسی، «گفتمان» را چگونه به تعریف می‌نشینید؟ یک گفتمان چگونه شکل می‌گیرد و با چه ابزارهایی ساخته و پرداخته می‌شود؟

«گفتمان» یا «دیسکورس» یک مفهوم بین‌رشته‌ای است و در فلسفه، زبان‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی جایگاه برجسته‌ای دارد. در ایران هم تقریباً از دهه ۶۰ به بعد، بویژه از دهه ۷۰ مورد توجه قرار گرفت. در واقع گفتمان، ترکیبی از «عنصر زبان» و «عناصر سیاسی-اجتماعی» است؛ به عنوان مثال «جامعه مدنی» یک مفهوم است که در مقاطعی بسیار برجسته شد. این برجسته شدن تنها به خاطر مفهوم زبانی یا کلامی‌اش نبود، بلکه بسترهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در این برجسته‌سازی نقش مهمی ایفا می‌کردند. به این اعتبار می‌توان گفت واژگان کلیدی که به عنوان «دال‌های مرکزی» در مفهوم گفتمان تجلی پیدا می‌کنند در بسترهای سیاسی-

اجتماعی ریشه دارند.

دو عامل در گفتمان دخیل است. میشل فوکو گفتمان را محل تلاقی دو عنصر «دانش» و «قدرت» می‌داند. به زعم او، اگر این دو، توأم شوند «گفتمان» ساخته می‌شود. بر این اساس، گفتمان، یک دستگاه بینشی است که از طریق «واژگان» در یک «شرایط سیاسی-اجتماعی» بر اذهان اثر می‌گذارد. برخی تحلیلگران علوم سیاسی و حتی گروهی از جامعه‌شناسان بر این باورند که گفتمان‌های سیاسی در پی نیازها و مطالبات مردم است که ساخته و پرداخته می‌شوند. به تعبیر دیگر، ساخته شدن یک گفتمان سیاسی را «امری پروسه‌ای» تفهیم می‌کنند، برای مثال «گفتمان سازندگی» در شرایطی طرح شد که ما جنگ تحمیلی را از سرگزرانده بودیم و نیاز به بازسازی‌هایی داشتیم. یا در دوره اصلاحات، طبقه متوسط و نیازهایی که در خصوص طرح‌ریزی جامعه مدنی داشتند «گفتمان اصلاحات» را برجسته کرد و سپس «گفتمان عدالت» و در نهایت به دنبال افراط‌هایی که در این دوره صورت

■ میشل فوکو گفتمان را محل تلاقی دو عنصر «دانش» و «قدرت» می‌داند. به زعم او، اگر این دو، توأم شوند «گفتمان» ساخته می‌شود. بر این اساس، گفتمان، یک دستگاه بینشی است که از طریق «واژگان» در یک «شرایط سیاسی-اجتماعی» بر اذهان اثر می‌گذارد.

■ گفتمان باید «ظرفیت بسیج‌گری» داشته باشد. هر گفتمانی که قدرت بسیج‌گری بیشتری داشته باشد ظرفیت پیروز شدن بیشتری خواهد داشت.

■ مهم‌ترین مطالبات جامعه امروز ایران «توسعه»، «رفاه»، «صلح» و «تعامل سازنده با جهان» است. خرده گفتمانی که بتواند این مفاهیم را صورت‌بندی کند، احتمالاً قدرت بسیج‌گری بیشتری خواهد داشت.

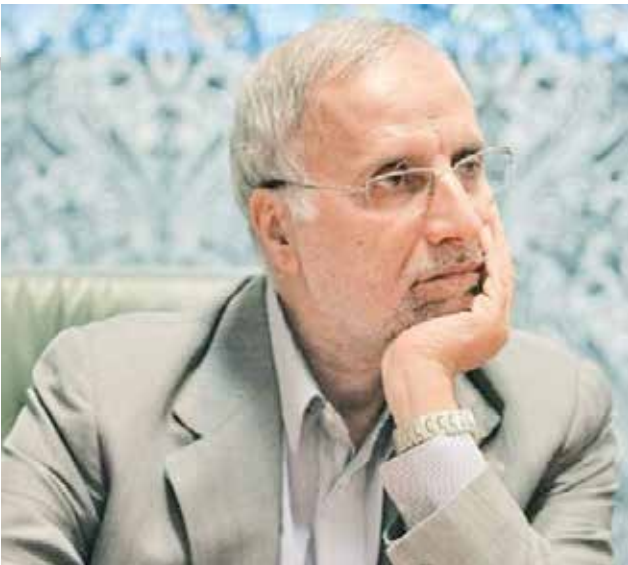
■ معتقدم در نهایت ما باید نگاه‌مان به نخبگان باشد؛ هیچ راهی جز این نداریم. در هر حالت «نخبگان» باید بتوانند طرح‌های نویی بدهند. ما باید نخبگانی داشته باشیم که بخوبی مسائل و نیازهای جامعه را مشاهده و شناسایی کنند و علل بحران‌ها را تحلیل و جامعه آرمانی را بازسازی نمایند. اگر میان «نخبگان» و «شرایط سیاسی-اجتماعی» تناسب وجود داشته باشد منطقاً گفتمان‌سازی بهتر انجام می‌شود.

■ ما در ایران چهار «کلان گفتمان» را تجربه کرده‌ایم: نخست، «گفتمان ایران‌گرایی و ملی‌گرایانه ناسیونالیستی» که تقریباً از یک صد و پنجاه سال پیش شروع شد اما عملاً با انقلاب مشروطه در ۱۲۸۵ تبلور یافت. دوم، «گفتمان چپ‌گرایی» است که از دهه بیست یعنی با رشد و گسترش طبقه کارگر در دوره رضاشاه، بتدریج با طرح موضوعاتی همچون «عدالت» و «برابری اجتماعی» در جامعه ما کلید خورد. سوم، «گفتمان اسلام‌گرایی» بود که تجلی آن را در انقلاب اسلامی شاهد هستیم و چهارم «گفتمان مدرن» بود.



شدن یک گفتمان، نخستین عنصر، «الزامات و بسترهای اجتماعی» است. این الزامات و بسترهای اجتماعی می‌تواند بحران‌ها، خرده بحران‌ها، نیازها یا حتی ظرفیت‌ها باشد. اما علاوه

گرفت، «گفتمان اعتدال» مطرح و مورد اقبال جامعه قرار گرفت. آیا شما هم از ظهور یک گفتمان چنین تحلیلی دارید و چنین فرایندی را برایش قائل هستید؟ همانطور که اشاره کردید، در ساخته



عرصه‌های فرهنگی را به سوی گشودگی و موضوعیت با متن «پولی لوگ» - گفت‌وگوهای چند جانبه- کشانده است؛ اما محدودیت‌ها و محرومیت‌های رسانه‌ای، ضعف‌های تاریخی، ناپایداری نهادهای مدنی، شکنندگی کار سیاسی و حتی چیرگی وضعیت کرونایی، وزن روی آوری به شبکه‌هایی از جنس «کلاب‌هاوس» را بیشتر کرده است.

اینکه کلاب‌هاوس، به‌عنوان پدیده جدید ارتباطی و رسانه‌های خودگزین، بخش درخور توجهی از جامعه نخبگی را به گفت‌وگو جمع‌ی کشانده است، در فضای تضعیف مرجعیت رسانه‌های رسمی و غلبه مشارکت‌ستیزی و گفت‌وگو‌گریز در شبکه‌ها و رسانه‌های مخالف سیاست‌ورزی‌های اصلاح‌طلبانه، رخدادی مهم و آریزایی درباره نقاط قوت و ضعف و آینده اجتماعی و سیاسی آن نیازمند تأملاتی همه‌جانبه است که امید می‌رود صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف به دور از شتابزدگی و افتادن در ورطه تهدیدانگاری یا ذوق‌زدگی به این مهم بپردازند.

گفت‌وگو در همه زمینه‌های معرفتی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حتی اقتصادی، ضرورت زمانه ما و گم‌شده جامعه ماست و مساعد شدن حوزه عمومی، جامعه سیاسی و فضای ارتباطی، برای بالا بردن قدرت، ظرفیت و مهارت گفت‌وگو به معنای غلبه بر یکی از مهم‌ترین آسیب‌ها و تنگناهای اندیشه ورزی و کنشگری اجتماعی در ایران است. حتی برای برون‌شد کشور از وضعیت دشوار اقتصادی و سیاسی پیش‌رو و افق‌گشایی برای جامعه‌ای که شایسته داشتن آینده‌ای بهتر است، رویکردی مناسب‌تر و مؤثرتر از «گفت‌وگو» نیست و به این سبب باید به استقبال هر فرصت و امکان و ابزاری رفت که راه را بر تجربه‌ها و گونه‌های مختلف گفت‌وگو باز کند.

قدرت نفوذ رسانه‌های تعاملی

دکتر هادی خانیکی
استاد ارتباطات و هیأت علمی
دانشگاه علامه طباطبائی

رو آوردن جامعه نخبگی، سیاسی و رسانه‌ای ایران به پلتفرم «کلاب‌هاوس» را می‌توان پدیده جدید ارتباطی دانست؛ شبکه‌ای که افراد می‌توانند در قالب اتاق‌های مجازی آن به صورت زنده و از طریق صدا به گفت‌وگو بنشینند و درغیاب زمینه‌ها و ظرفیت‌های بالفعل اجتماعی و میدان‌های واقعی گفت‌وگویی، امکان جدیدی برای با هم نشستن، همدیگر را تحمل کردن، به سخن دیگری گوش دادن، کوتاه سخن گفتن- هرچند هنوز در سطوحی محدود و نخیه‌گرایانه- را فراهم کنند. این نحوه اقبال کاربران و کنشگران ایرانی به کلاب‌هاوس و احتمال روی آوردن نزدیک آنان به ظرفیت‌های صوتی شبکه‌های دیگر از جمله تلگرام و توئیتر نشان می‌دهد که «نیاز به گفت‌وگو» و «قدرت ارتباط شبکه‌ای» نمی‌تواند در پشت دیوارهای محدودیت و ممنوعیت سیاسی محصور بماند؛ «چو در بندی، ز روزن ره گشاید»

۲ گفت‌وگو در همه زمینه‌های معرفتی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حتی اقتصادی، ضرورت زمانه ما و گم‌شده جامعه ماست و مساعد شدن حوزه عمومی، جامعه سیاسی و فضای ارتباطی، برای بالا بردن قدرت، ظرفیت و مهارت گفت‌وگو به معنای غلبه بر یکی از مهم‌ترین آسیب‌ها و تنگناهای اندیشه ورزی و کنشگری اجتماعی در ایران است. حتی برای برون‌شد کشور از وضعیت دشوار اقتصادی و سیاسی پیش‌رو و افق‌گشایی برای جامعه‌ای که شایسته داشتن آینده‌ای بهتر است، رویکردی مناسب‌تر و مؤثرتر از «گفت‌وگو» نیست و به این سبب باید به استقبال هر فرصت و امکان و ابزاری رفت که راه را بر تجربه‌ها و گونه‌های مختلف گفت‌وگو باز کند.

کلاب‌هاوس، یک ظرفیت شبکه‌ای مساعد و مناسب برای گفت‌وگو است؛ البته هنوز بیشتر برای گفت‌وگوهایی است که صورت نخبگانی دارند ولی می‌توانند در زمینه‌ها و افق‌های پیش‌رو و نیز در پیوند با شبکه‌ها و رسانه‌های دیگر دامنه‌های وسیع

حضور، مشارکت و تأثیرگذاری اجتماعی و سیاسی را در برگیرند.

۳ کلاب‌هاوس را به لحاظ رسانه‌ای می‌توان - با وام گرفتن تعبیر از مارشال مک‌لوهان- امتداد قدرت «صدا» و به میدان آمدن «رادیوی تعاملی» دانست که می‌تواند ابتدا در حوزه «سیاست‌ورزی رسانه‌ای شده» و بعد از آن در عرصه‌های واقعی سیاست و اجتماع و فرهنگ نقش آفرین باشد. طبیعتاً از آنجا که نخستین کنشگران و کاربران کلاب‌هاوس را چهره‌های شاخص، سلبریتی‌ها و فعالان سیاسی و فرهنگی و رسانه‌ای تشکیل می‌دهند و حد استفاده از آن هم هنوز متأثر از محدودیت‌های دسترسی عمومی است، لذا توجه به اولویت اصل «گفت‌وگو»‌های واقعی و الزامات و آثار اجتماعی و سیاسی مترتب بر آن ضروری است. نه گفت‌وگو امری انتزاعی و تزیینی و نخیه‌گرایانه است؛ نه اثربخشی قدرت صدا و تعاملی بودن رسانه کلاب‌هاوس باید تحت الشعاع سست کوششی‌های سیاسی و

ذوق‌زدگی در دنیای سیاست‌ورزی مجازی شود.

برای بازاندیشی در این مسأله و مسائلی از این دست و برخورداری از فرصت‌ها و فوایدی که رسانه‌های تعاملی و گفت‌وگویی خلق می‌کنند، هم باید به زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و اقبال به آنها توجه داشت، هم به جهت‌یابی و اثربخشی این قبیل رسانه‌ها از تحولات کنونی و آینده جامعه و جهان ما.

۴ فضای واقعی و مجازی در میدان‌های معرفت و سیاست را باید نه در برابر هم و نه مستقل از هم قلمداد کرد و این واقعیت «کلاب‌هاوس» و ظرفیت‌های شبکه‌ای نظیر آن را هم شامل می‌شود. جامعه ما نه تنها در سطح نخبگی بلکه در سطح عامه نیز با اعمال محدودیت‌های رسانه‌ای و سیاسی مواجه است که با تحولات فرهنگی و فناوریانه جهانی و تغییرات پر دامنه اجتماعی و سیاسی کشور سازگار نیست. فناوری‌های جدید ارتباطی و رسانه‌های نوین،

